

## مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی: با تاکید بر نقش تعدیلی ضعف کنترل‌های داخلی

الهام منصوری نیا<sup>۱\*</sup>

فائزه مختاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۴/۲۱

### چکیده

مدت تصدی مدیران اجرایی از عوامل تاثیر گذار بر ساختار، عملکرد و ارزش شرکت می باشد. با جایگزینی مدیران اجرایی سیاست ها و روشهای اجرایی شرکت نیز تغییر می نماید. مدت تصدی مدیران اجرایی بر ریسک حسابرسی و میزان کار حسابرسی و حق الزحمه دریافتی توسط حسابرس تاثیر گذار است. هدف این تحقیق بررسی رابطه بین مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی با تاکید بر نقش تعدیلی ضعف کنترل‌های داخلی می باشد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش علمی همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۵ ساله ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ بوده است که از طریق نمونه گیری حذف سیستماتیک در مجموع ۱۲۲ شرکت مورد مطالعه قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه های تحقیق از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد. یافته های تحقیق نشان می دهد که بین تصدی جدید مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی را کاهش میدهد؛ بنابراین در شرکتها با تصدی جدید مدیرعامل ریسک حسابرسی افزایش یافته و حسابرسان حق الزحمه بیشتری را دریافت می نمایند. همچنین تصدی طولانی مدت مدیران مالی ضعف کنترل‌های داخلی شرکت را پوشش می دهد.

### واژگان کلیدی

مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی، حق الزحمه حسابرسی، ضعف کنترل‌های داخلی

۱. استادیار گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول: [mansourinia.elham@gmail.com](mailto:mansourinia.elham@gmail.com))

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه غیرانتفاعی فروردین قائم شهر، مازندران، ایران.

## ۱. مقدمه

یکی از موضوع های مورد علاقه بسیاری از محققان حسابرسی قیمت گذاری خدمات حسابرسی است و تاکنون در این زمینه مطالعات زیادی انجام شده است و اکثر آن ها یک هدف عمده که تشخیص عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است را دنبال می کنند. برای صاحبکار و حسابرس آگاهی از این عوامل مفید است. حسابرسان با آگاهی از عوامل مؤثر بر بهای خدمات خود، می توانند به شکل مناسبی این خدمات را قیمت گذاری کنند. در سال های اخیر و به خصوص پس از تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران این موضوع در کشور ما بیشتر دیده می شود، زیرا پس از تشکیل جامعه، انحصار بازار حسابرسی کاهش یافته و بین حسابرسان رقابت شدیدی شکل گرفته است؛ رویدادی که در اغلب کشورهای پیشرفته مدت ها قبل اتفاق افتاده است. بازار سرمایه نسبت به مدیریت شرکت حساسیت و نگرانی دارد و هر زمان تغییری در مدیریت رخ دهد یکی از علل آن می تواند بیانگر این موضوع باشد که مدیران در انجام وظیفه خود که همان افزایش ثروت سهامداران می باشد به نحو احسن عمل ننموده اند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). تحقیقات اولیه در مورد دوره تصدی مدیران بیان می کند که دوره تصدی یک مدیر اجرایی شامل مراحل قابل تشخیص می باشد و آن مراحل، الگوهای متمایزی در نحوه اجرا، رفتار و در نهایت عملکرد سازمانی دارد. شواهد نشان می دهد مراحل مختلف تصدی مدیریت بر عملکرد شرکت تأثیر متفاوتی می گذارند. ادبیات حسابداری تأثیر مراحل متفاوت تصدی بر حق الزحمه حسابرسی را به طور کامل بررسی نکرده است (کالیکار و زی، ۲۰۲۱).

قیمت گذاری حسابرسی، نتیجه ارزیابی حسابرسان از ریسک های حسابرسی و تجاری مشتری است. با توجه به اینکه کیفیت گزارشگری مالی بر درک حسابرس از خطرات حسابرسی تأثیر می گذارد مراحل تصدی مدیران اجرایی در حق الزحمه حسابرسی بسته به هر کدام از مراحل تصدی می تواند منفی یا مثبت باشد (کالیکار و زی<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). دو دیدگاه، نگرانی شغلی و قدرت، تأثیر مدت تصدی مدیریت در حق الزحمه حسابرسی را توضیح می دهند، دیدگاه نگرانی شغلی در تبیین رابطه بین قیمت گذاری حسابرسی و دوره تصدی مدیران اجرایی غالب است. همانطور که این دیدگاه نشان می دهد با طولانی شدن دوره تصدی انگیزه های مدیران اجرایی به دستکاری سود آنها کاهش می یابد و انتظار می رود هزینه های حسابرسی کاهش یابد. برعکس، در دیدگاه قدرت استدلال می شود که حسابرسان حق الزحمه حسابرسی بالاتری را برای مدت تصدی طولانی تر مدیریت دریافت می کنند، زیرا دوره تصدی طولانی تر قدرت و فرصت های بیشتری را برای فعالیت های استحکام بخشی مدیران اجرایی ایجاد می کند (کالیکار و زی، ۲۰۲۱).

دیدگاه قدرت مدیرعامل، استدلال می کند که تصدی طولانی مدت، فرصت های شغلی را افزایش می دهد، فعالیت های مدیران را در شرکت تقویت می کند و به آنها قدرت دور زدن نظارت هیئت مدیره را می دهد (کولز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). در راستای این ادعا، برخی از محققان دریافتند که مدیران قدرتمند بیشتر سود را دستکاری می نمایند (دیچف و

<sup>1</sup> Kalelkar and Qiao Xu

<sup>2</sup> Coles

همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). به عنوان مثال، فنگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نشان دادند که در شرکتها با مدیران عامل قدرتمند، مدیران مالی اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. علاوه بر این، ادبیات موجود اشاره دارد که مدیران عامل در سالهای پایانی تصدی خود بیشتر درگیر دستکاری سود هستند (دیچو و اسلون، ۱۹۹۱؛ علی و ژانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). از این رو این امکان وجود دارد که حسابرسان سالهای پایانی تصدی مدیریت اجرایی را مخاطره آمیز در نظر بگیرند و حق الزحمه حسابرسی را در چند سال آخر تصدی مدیریت بیشتر تعیین نمایند (کالیکار و زی، ۲۰۲۱). از طرفی کنترل داخلی ضعیف برای مدیران فرصتی برای مدیریت سود ایجاد می‌نماید و از این رو، با هزینه های حسابرسی بیشتر همراه است. اصلی ترین دلیل نگرانی حسابرسان این است که مدیران سود را مدیریت می نمایند و در نتیجه آنان در رویارویی با مدیرانی با سابقه طولانی مدت حتی زمانی که کیفیت کنترل داخلی ضعیف است خطرات حسابرسی را پایین تر در نظر می گیرند (کالیکار و زی، ۲۰۲۱). با توجه به مطالب بالا در این تحقیق به بررسی رابطه بین مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی با تاکید بر نقش تعدیلی ضعف کنترل‌های داخلی پرداخته شده است.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱. تصدی مدیران اجرایی

در دنیای رقابتی امروز، مدیران عامل از یک وظیفه حیاتی در مدیریت واحدهای اقتصادی و موفقیت خود پشتیبانی می کنند؛ بنابراین، نقش حیاتی مدیرعامل در مدیریت کارآمد فعالیت‌های اقتصادی غیرقابل انکار است (یه و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹؛ لوبو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸؛ یعقوبی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). علاوه بر این، کیفیت مدیرعامل نقش بسزایی در روند صعودی شرکت ها ایفا می کند. یکی از معیارهای خاص برای اندازه گیری کافی کیفیت برتر مدیرعامل، همیشه گردش مالی احتمالی مدیرعامل است (یین و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۰؛ آبو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸). اداره و مدیریت شرکت توسط یک نفر طی سال های متمادی منجر به شناخت بیشتر کسب و کار شرکت و در نهایت افزایش کیفیت مدیرعامل شده است. نتایج تحقیقات قبلی نشان می دهد که سطح متوسط جابه‌جایی مدیرعامل، شناخت و تخصص مدیرعامل را در صنعت کارفرمای مربوطه افزایش می دهد و کیفیت مدیرعامل را افزایش می دهد (لی و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۹). از این رو، تصمیم گیری برای تغییر مدیرعامل یک شرکت یکی از حیاتی ترین تصمیمات اتخاذ شده توسط هیئت مدیره است، زیرا در بلندمدت تصمیمات

<sup>1</sup> Dichev

<sup>2</sup> Feng

<sup>3</sup> Ali, A. and Zhang

<sup>4</sup> Yeh et al

<sup>5</sup> Lobo et al

<sup>6</sup> Yaqoubi et al

<sup>7</sup> Yin et al

<sup>8</sup> Abbo

<sup>9</sup> Lee et al

سرمایه گذاری، عملیاتی و تامین مالی شرکت ها را حفظ می کند (اوراما<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰، چن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹؛ دنگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹).

مطالعات قبلی در رابطه با جانشینی مدیرعامل نشان می دهد که جانشینی مدیرعامل، در بسیاری از موارد به دلیل عملکرد ضعیف شرکت مدیر عامل قبلی رخ می دهد. از یک مدیر عامل جدید خواسته می شود تا جهت استراتژیک جدید شرکت را ارائه دهد و نسبت به قبلی خود عملکرد بهتری داشته باشد (برنز و کلارنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). مطالعات قبلی نشان می دهد که بازار سرمایه برای ارزیابی توانایی مدیر عامل جدید به عملکرد فعلی شرکت ها متکی است. در نتیجه، یک مدیر عامل جدید انگیزه قوی برای گزارش عملکرد خوب و تلاش سخت برای رسیدن به آستانه سود مثبت و اجتناب از گزارش سود ضعیف در سالهای اولیه و در سال آخر تصدی مدیرعاملی دارد. علاوه بر این، مدیران عامل در دوره اولیه خدمت خود با وظایف نا آشنا روبرو هستند. قوانین، هنجارها و شبکه داخلی و قدرت محدودی برای مدیریت مؤثر شرکت ها دارند. برای غلبه بر این چالش، مدیران عامل در سال های اولیه خود با شرکت های جدید، قدرت خود را تقویت می کنند، شبکه های داخلی ایجاد می کنند و دانش خود در مورد شرکت ها و صنایع را توسعه می دهند. در پرتو این استدلال، شرکت ها در اوایل دوره تصدی مدیرعامل عملکرد پایین تر و در دوره میانی تصدی، عملکرد بالاتری را نشان می دهند (میترا و همکاران، ۲۰۱۹).

## ۲-۲. حق الزحمه حسابرسی

براساس متون نظری حسابرسی، قیمت گذاری خدمات حسابرسی عبارت است از فرآیندی که در آن با استفاده از عوامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی، این حق الزحمه تعیین گردد. بر اساس این تعریف آنچه فراهم کننده امکان قیمت گذاری خدمات حسابرسی است، تعیین عوامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی است. برای تشریح این فرآیند در ابتدا باید تعیین گردد که حق الزحمه خدمات حسابرسی چیست و چه عواملی را در برمی گیرد. سپس مشخص گردد که چگونه می توان این حق الزحمه را تحت تأثیر قرار داد؛ به عبارت دیگر محرک هزینه خدمات حسابرسی چیست تا از طریق این محرک بتوان عوامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی را تعیین نمود. حق الزحمه خدمات حسابرسی عبارات است از ما به ازای نقدی یا غیر نقدی خدمات حسابرسی ارائه شده توسط حسابرسی که به وی پرداخته می شود. همانطور که مشخص است معیار تعیین حق الزحمه خدماتی است که حسابرسی ارائه نموده است. نحوه ارائه خدمات توسط حسابرس به صورت رسیدگی هایی است که وی انجام می دهد تا به ایجاد اطمینان منتهی گردد؛ بنابراین عملیات انجام شده توسط حسابرسی با حجم فعالیت حسابرس را می توان محرک حق الزحمه خدمات حسابرسی دانست (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷).

<sup>1</sup> Uemura

<sup>2</sup> Chen et al

<sup>3</sup> Deng et al.

<sup>4</sup> Berns and Klarner

ادبیات مربوط به حسابرسی عنوان میکنند که حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از هزینه‌های مربوط به تلاش حسابرس و تعهدات قانونی مورد انتظار است. به عبارتی، حسابرسان سطح بهینه تلاش خود را به منظور حداقل کردن هزینه‌های مورد انتظار ناشی از تعهدات قانونی، تعیین می‌کنند؛ بنابراین، نگرش‌های متفاوت صاحبکاران و حسابرس به عنوان معیارهایی برای تعیین ریسک و قیمت خدمات حسابرسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، حق‌الزحمه واقعی حسابرسی را نمی‌توان به صورت کامل بر مبنای مدل استاندارد تعیین کرد. همچنین، ادبیات حسابرسی در ارتباط با حق‌الزحمه‌های بالای حسابرسی به نتایج متقارن دست پیدا نکرده است به نحوی که برخی پژوهشها بالا بودن حق‌الزحمه حسابرسی را نوعی رشوه تلقی می‌کنند که منجر به از بین رفتن استقلال حسابرس شده و یا ناتوانی مدل استاندارد حق‌الزحمه حسابرسی در لحاظ کردن همه عوامل موثر در نظر می‌گیرند (کولتن وهمکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). زمانی که هزینه‌های حسابرسی افزایش می‌یابد، حسابرسان تمایل زیادی به افزایش و تعدیل کاملاً متناسب حق‌الزحمه حسابرسی به دلیل ریسک از دست دادن مشتری، ندارند. در شرایطی که هزینه‌های مورد انتظار حسابرسی کاهش یابد، موسسات حسابرسی می‌توانند بصورت فرصت طلبانه اقدام به کاهش نسبی حق‌الزحمه حسابرسی نمایند ولی این کاهش به اندازه کاهش مورد انتظار در هزینه‌ها نیست و این ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسان و صاحبکاران است. افزون بر این، اصلاحات عمده رو به پایین در قیمت ممکن است منجر به ایجاد انگیزه برای رقبا جهت کاهش قیمت‌های حسابرسی شود که در نهایت، منجر به رقابت قیمتی می‌گردد (لاوی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

### ۲-۳. تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی

ادبیات موجود استدلال می‌کند از آنجایی که مدیران اجرایی مسئول تصمیم‌گیری شرکت‌ها هستند، ویژگی‌های آنان بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت تأثیر خواهد داشت. در نتیجه، مطالعات موجود نشان می‌دهد که حسابرسان ویژگی‌های مدیران اجرایی را در تصمیمات قیمت‌گذاری حسابرسی خود گنجانده‌اند. به عنوان مثال، کیم و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) و بیلینگز و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) تأثیر پاداش مدیر عامل و مدیر ارشد مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی بررسی نمودند و دریافتند که با افزایش مشوق‌های سهام مدیران عامل و مدیران مالی، حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. هوانگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) دریافتند مدیران عامل خواستار خدمات حسابرسی با کیفیت بالا هستند و مایل به پرداخت هزینه‌های حسابرسی بالاتر از هم‌تایان خود هستند.

در مطالعه دیگری، هوانگ و همکاران (۲۰۱۴) اثر جایجایی اجباری و داوطلبانه مدیرعامل در قیمت‌گذاری حسابرسی را بررسی نمودند و دریافتند حسابرسان به دنبال جایجایی اجباری مدیرعامل، هزینه‌های حسابرسی بیشتری را دریافت می‌کنند.

<sup>1</sup> Coulton et al

<sup>2</sup> Lavoie et al

<sup>3</sup> Kim et al

<sup>4</sup> Billings et al

<sup>5</sup> Huang et al.

کنند. علاوه بر این، هریبار و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) دریافتند زمانی که مدیر عامل فعلی نسبت به سود دهی شرکت بیش از حد اطمینان دارد حق الزحمه حسابرسی افزایش می یابد. علاوه بر این، جانسون و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) و جاد و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) نشان می دهد که شرکت هایی که هزینه های حسابرسی بالاتری دارند احتمال داشتن مدیران عامل خودشیفته بیشتر است.

یکی از ویژگی های مدیران اجرایی که در تحقیقات قبلی به خوبی مورد مطالعه قرار نگرفته است دوره تصدی مدیران اجرایی می باشد. با این حال، بررسی ادبیات فعلی مربوط به تصدی مدیریت در درجه اول بر سالهای اولیه تصدی مدیرعامل متمرکز است. یان و ویتلی<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) حق الزحمه حسابرسی را در سال اول تصدی مدیرعاملی مورد بررسی قرار دادند آنها دریافتند حسابرسان پس از انتصاب مدیران عامل جدید، حق الزحمه حسابرسی خود را افزایش می دهند. بیلز و همکاران (۲۰۱۷) بر سه سال اولیه تصدی مدیرعاملی تمرکز می کنند و استدلال می کنند که عملکرد یک شرکت و سیاست های مالی پس از انتصاب مدیر عامل جدید تغییر می کند. در نتیجه، حسابرسان خطرات حسابرسی بالاتری را پس از جانشینی مدیرعامل درک می کنند، بنابراین هزینه حسابرسی بیشتری را برای جبران خطرات حسابرسی دریافت می کنند.

#### ۲-۴. تصدی مدیران اجرایی و کنترل های داخلی

در حال حاضر، مدیران عامل شرکت ها توجه زیادی به سیستم های کنترل داخلی دارند زیرا می دانند که انجام مأموریت اولیه برای حفظ سودآوری و به حداقل رساندن موارد غیرمنتظره بسیار دشوار است. یک سیستم کنترل داخلی موثر، آنها را نسبت به آمارهای حسابداری مطمئن تر می کند و بر اساس تصمیمات خود اطلاعات تولید می کند. همچنین به آنها اطمینان می دهد که سیستم ها و رویه های مالی و اداری مناسب در شرکت آنها به طور کامل اجرا می شود (چن و همکاران، ۲۰۱۹؛ آقایی و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ رضایی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱؛ لسیچ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، ضرورت اصلی اجرای صحیح مکانیسم های نظارتی و رویه های مناسب برای مدیریت مالی، فعالیت های فکری که توسط مدیران عامل شرکت ایجاد می شود، نوعاً بستر مناسبی را برای کنترل های داخلی برای دستیابی واقع بینانه به اهداف از پیش تعیین شده فراهم کرده است (رستمی و کهنسال، ۱۳۹۴). به عنوان مثال، اکثر شرکت ها با ضعف کنترل های داخلی، پیامدهای مهمی از جمله تضعیف اعتماد دریافت می کنند (امورا، ۲۰۱۸). شرکت ها انگیزه اقتصادی برای گزارش کنترل داخلی دارند. مطالعات قبلی نشان داده اند که کنترل داخلی، هزینه های نمایندگی، ریسک سرمایه گذار و هزینه های

<sup>1</sup> Hribar et al

<sup>2</sup> Johnson et al

<sup>3</sup> Judd et al

<sup>4</sup> Yan and Wheatley

<sup>5</sup> Aghaei et al

<sup>6</sup> Rezaei et al

<sup>7</sup> Lisic et al

سرمایه را کاهش می دهد و محافظه کاری و نظارت مدیران عامل را افزایش می دهد (لی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). از این رو انتظار می رود تغییرات در کیفیت مکانیزم‌های کنترل داخلی، نظارت مدیران عامل را بهبود بخشد و باید با افزایش احتمال جابه‌جایی مدیرعامل شرکت‌های دچار ضعف کنترل‌های داخلی همراه باشد تا جانشینان آن‌ها مزایای بهتری را برای سهامداران فراهم کنند. در اکثر شرکت‌های ایرانی، جابجایی مدیران عامل شرکت منجر به تغییرات اساسی در سیاست‌های شرکت و رویه‌های عملیاتی می شود. مدیر عامل شرکت منجر به تغییرات عمده در سیاست های می شود و معمولاً بر منافع سهامداران تأثیر می گذارد (فخاری و کبیری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸؛ اومورا، ۲۰۱۸؛ چانگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹).

## ۲-۵. پیشینه تحقیق

قربانی (۱۴۰۰)، به بررسی تاثیر دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسی شرکت بر کیفیت حسابرسی پرداخت. جامعه آماری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ و با استفاده از اطلاعات ۱۰۰ شرکت و روش رگرسیون خطی چند متغیره به آزمون فرضیه پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد دوره تصدی مدیرعامل و حسابرسی شرکت تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

امین عشایری، (۱۴۰۰)، به بررسی نقش متغیرهای کیفیت حسابرسی و دوره ی تصدی حسابرس در تاثیر گذاری مدیریت سود بر عملکرد شرکت پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای کیفیت حسابرسی و دوره ی تصدی حسابرس در تاثیر گذاری مدیریت سود بر عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر گذار می باشد. همچنین دوره تصدی حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی و شاخص عملکردی شرکت تاثیر دارد.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۹)، رابطه بین دانش مالی و دوره تصدی مدیرعامل با نگهداشت وجه نقد را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که بین دانش مالی مدیرعامل و نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود ندارد. بین دوره تصدی مدیرعامل و نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی داری وجود دارد و نگهداشت وجه نقد بر رابطه بین تصدی و دانش مالی مدیرعامل در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر می گذارد.

کالیلکار وزی (۲۰۲۱)، در تحقیق خود تاثیر مراحل مختلف تصدی مدیران بر حق الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که زمانی که مدیران اجرایی وارد فازهای میانی و طولانی مدت تصدی می شوند، هزینه های حسابرسی به طور قابل توجهی کمتر است. کاهش در حق الزحمه حسابرسی زمانی که هم مدیران ارشد اجرایی و هم مدیران ارشد مالی وارد دوره طولانی می شوند، بیشترین میزان را دارد. اگرچه هزینه های حسابرسی با تمدید دوره مدیریت اجرایی به تدریج کاهش می یابد، اما دو سال قبل از پایان تصدی مدیریت شروع به افزایش می کند. علاوه بر این، ارتباط منفی بین مرحله تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی زمانی بیشتر است که مدیران از خارج از

<sup>1</sup> Li

<sup>2</sup> Fakhari and Kabiri

<sup>3</sup> Chang et al

شرکت منصوب شود. در نهایت، فاز طولانی تصدی مدیریت همچنین رابطه مثبت بین حق الزحمه حسابرسی و ضعف کنترل داخلی را کاهش می دهد.

بیکر و همکاران (۲۰۱۹)، اثر ترکیبی از قدرت مدیر عامل و مدیر مالی در مدیریت سود را بررسی کردند و متوجه شدند که مدیران عامل قدرتمند مرتبط با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی مثبت در دوره زمانی پیش از قانون ساربینز آکسلی هستند. در مقابل، مدیران ارشد مالی قدرتمند مدیریت سود مبتنی بر فعالیت های واقعی را در هر دو دوره های قبل و بعد از قانون ساربینز آکسلی ترجیح می دهند.

دباسکی و همکاران (۲۰۱۹)، دریافتند که مدیران اجرایی قدرتمند، تحت نمایندگی مدیران عامل با دوره تصدی طولانی تر، از طریق لحن خوش بینانه تر تمایل بیشتری به دستکاری سود دارند بنابراین، این دو دیدگاه نشان می دهد که مرحله تصدی می تواند تأثیر منفی یا مثبت بر ریسک گزارشگری مالی حسابرس داشته باشد.

### ۳. فرضیه های تحقیق

- فرضیه اصلی اول: بین مراحل تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۱: بین تصدی جدید مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۲: بین تصدی میان مدت مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه فرعی ۱-۳: بین تصدی طولانی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه اصلی دوم: ضعف کنترل های داخلی رابطه بین مراحل تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می نماید.
- فرضیه فرعی ۲-۱: ضعف کنترل های داخلی رابطه بین تصدی جدید مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می نماید.
- فرضیه فرعی ۲-۲: ضعف کنترل های داخلی رابطه بین تصدی میان مدت مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می نماید.
- فرضیه فرعی ۲-۳: ضعف کنترل های داخلی رابطه بین تصدی طولانی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می نماید.
- برای آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیه های فرعی مربوط به آن مطابق با تحقیق کالیلکار و زی (۲۰۲۱)، از مدل رگرسیونی زیر استفاده می شود:



مدل ۱

$$\begin{aligned} \ln AFee_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 CEONew_{i,t} + \alpha_2 CEOMid_{i,t} + \alpha_3 CEOLong_{i,t} + \alpha_4 CFONew_{i,t} \\ & + \alpha_5 CFOMid_{i,t} + \alpha_6 CFOLong_{i,t} + \alpha_7 LIQ_{i,t} + \alpha_8 CA - TA_{i,t} \\ & + \alpha_9 InvRec_{i,t} + \alpha_{10} ROA_{i,t} + \alpha_{11} Loos_{i,t} + \alpha_{12} Intang_{i,t} + \alpha_{13} Size_{i,t} \\ & + \alpha_{14} Lev_{i,t} + \alpha_{15} Big_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

برای آزمون فرضیه اصلی دوم و فرضیه های فرعی مربوط به آن مطابق با تحقیق کالیکار و زی (۲۰۲۱)، از مدل رگرسیونی زیر استفاده می شود:

مدل ۲

$$\begin{aligned} \ln AFee_{i,t} = & \alpha_0 + \alpha_1 CEONew_{i,t} + \alpha_2 CEOMid_{i,t} + \alpha_3 CEOLong_{i,t} + \alpha_4 CFONew_{i,t} \\ & + \alpha_5 CFOMid_{i,t} + \alpha_6 CFOLong_{i,t} + \alpha_7 MW_{i,t} + \alpha_7 CEONew_{i,t} * MW_{i,t} \\ & + \alpha_8 CEOMid_{i,t} * MW_{i,t} + \alpha_9 CEOLong_{i,t} * MW_{i,t} + \alpha_{10} CFONew_{i,t} \\ & * MW_{i,t} + \alpha_{11} CFOMid_{i,t} * MW_{i,t} + \alpha_{12} CFOLong_{i,t} * MW_{i,t} + \alpha_{13} LIQ_{i,t} \\ & + \alpha_{14} CA - TA_{i,t} + \alpha_{15} InvRec_{i,t} + \alpha_{16} ROA_{i,t} + \alpha_{17} Loos_{i,t} \\ & + \alpha_{18} Intang_{i,t} + \alpha_{13} Size_{i,t} + \alpha_{14} Lev_{i,t} + \alpha_{15} Big_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

### ۳-۱. تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

الف-متغیر وابسته:

حق الزحمه حسابرسی

برای اندازه گیری این متغیر مطابق با تحقیق و کالیکار و زی (۲۰۲۱) از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده می شود.

ب-متغیر مستقل تحقیق:

مراحل تصدی مدیران اجرایی (Different phases of executive tenure)

مطابق با تحقیق و کالیکار و زی (۲۰۲۱) مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی (مدیرعامل و مدیر مالی) به شرح زیر است:

تصدی جدید (CEO/CFONew): اگر مدت تصدی مدیرعامل کمتر یا مساوی سه سال و مدت تصدی مدیر مالی کمتر یا مساوی دو سال باشد برابر با یک در غیر این صورت صفر

تصدی میانه یا متوسط (CEO/CFOMid): اگر مدت تصدی مدیرعامل بین ۴ تا ۱۰ سال و مدت تصدی مدیر مالی بین ۳ تا ۵ سال باشد برابر با یک در غیر این صورت صفر

تصدی طولانی (CEO/CFOLong): اگر مدت تصدی مدیرعامل ۱۱ سال یا بیشتر و مدت تصدی مدیر مالی ۶ سال یا بیشتر باشد برابر با یک در غیر این صورت صفر.

**ج- متغیر تعدیلگر****ضعف در کنترلهای داخلی (MW):**

نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی از گزارش حسابرسان مستقل بدست می آید. در این تحقیق، منظور از ضعف های بااهمیت ضعف هایی است که حسابرس در گزارش به آن اشاره می کند و معمولاً طی سال مالی بر طرف می شود و در برخی موارد برطرف نمی گردد. به عنوان مثال ضعف های موجود در حساب های دریافتی، موجودی کالا، دارایی ها، مالیات یا به عنوان مثال مواردی که مربوط به تصمیمات هیئت مدیره است و این ضعف ها در سطح حساب های شرکت و در سطح خود شرکت وجود دارند اگر تعداد در گزارش حسابرسی یا در نامه مدیریت ضعف های با اهمیت گزارش شده باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود (کالیکار و زی، ۲۰۲۱).

**د-متغیرهای کنترلی:**

متغیرهای کنترلی تحقیق مطابق با تحقیق و کالیکار و زی (۲۰۲۱) به شرح زیر است:

LIQ: برابر است با نسبت داراییهای جاری به بدهیهای جاری در پایان دوره مالی

CA-TA: برابر است با نسبت داراییهای جاری به کل داراییها در پایان دوره مالی

InvRec: برابر است با نسبت مجموع حسابهای دریافتی و موجودی مواد و کالا به کل داراییها در پایان دوره مالی

LOOS: اگر شرکت در طی دوره مالی زیان داشته باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود.

Intang: نسبت داراییهای نامشهود به کل داراییها در پایان دوره مالی

Size: لگاریتم طبیعی کل داراییها در پایان دوره مالی

Lev: نسبت کل بدهی به کل داراییهای شرکت در پایان دوره مالی

ROA: نرخ بازده داراییها. سود قبل از کسر مالیات تقسیم بر کل داراییها شرکت در پایان دوره مالی

Big: اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود.

**۲-۳. روش شناسی تحقیق**

تحقیق حاضر، از نظر نوع، همبستگی می باشد، یعنی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون و روش شناسی پژوهش از نوع پس رویدادی (بااستفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. در این تحقیق از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون به منظور تجزیه تحلیل داده ها استفاده می شود. جهت برآورد مدل رگرسیونی، از نرم افزار Eviews استفاده شد.

#### ۴. جامعه، نمونه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. برای انتخاب نمونه از روش حذفی سیستماتیک استفاده می‌شود. برای این منظور، معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد، به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب می‌شود:

- (۱) دوره مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند ماه هر سال باشد.
- (۲) شرکتها در طی دوره مورد بررسی تغییر دوره نداده باشند
- (۳) اطلاعات شرکتها در دسترس باشد
- (۴) شرکتها در طی دوره مورد بررسی وقفه معاملاتی نداشته باشند.
- (۴) بانک‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت بیمه از نمونه تحقیق حذف می‌گردند.

باتوجه به محدودیتهای فوق نمونه نهایی تحقیق شامل ۱۲۲ شرکت و ۶۱۰ مشاهده (۱۲۲\*۵) می‌باشد.

#### ۵. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

##### ۵-۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل تحقیق

قبل از آزمون فرضیه‌ها در هر پژوهشی لازم است آماره‌های توصیفی متغیرهای بکاررفته، محاسبه و تفسیر شوند. آماره‌های توصیفی اعدادی هستند که به منظور بیان کمی توزیع اندازه‌ها در کل نمونه ی قابل مشاهده بکار می‌روند. نتایج در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	میانهم	حد اکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
LNAFE	۶/۵	۷/۰۳	۱۰/۴	۰	۲/۰۸	-۲/۳۸	۷/۹۹
CEON	۰/۴۵	۰	۱	۰	۰/۴۹	۰/۱۷	۱/۰۲
CEOM	۰/۴۸	۰	۱	۰	۰/۵	۰/۰۷	۱/۰۰۶
CEOL	۰/۰۶	۰	۱	۰	۰/۲۴	۳/۶	۱۴/۱۱
CFON	۰/۳۷	۰	۱	۰	۰/۴۸	۰/۵	۱/۲۵
CFOM	۰/۴۰	۰	۱	۰	۰/۴۹	۰/۳۷	۱/۱۳
CFOL	۰/۲۱	۰	۱	۰	۰/۴	۱/۴	۲/۹
CEON*MW	۰/۲۴	۰	۱	۰	۰/۴۳	۱/۱۶	۲/۳۶
CEOM*MW	۰/۲۴	۰	۱	۰	۰/۳۳	۲/۱۶	۲/۲۶
CEOL*MW	۰/۰۱۹	۰	۱	۰	۰/۱۳	۶/۹	۴۸/۸

۳/۶۷	۱/۶۳	۰/۳۸	۰	۱	۰	۰/۱۸	<b>CFON*MW</b>
۳/۱۳	۱/۴۶	۰/۴۰	۰	۱	۰	۰/۲۰	<b>CFOM*MW</b>
۶/۰۶	۲/۲۵	۰/۳۳	۰	۱	۰	۰/۱۲	<b>CFOL*MW</b>
۱/۰۰۳	-۰/۰۵	۰/۵	۰	۱	۱	۰/۵۱	<b>MW</b>
۳۴/۷	۴/۴۴	۱/۱۷	۰/۰۲	۱۳/۴۵	۷/۳	۱/۶	<b>LIQ</b>
۲/۸۴	-۰/۶۷	۰/۱۹	۰/۰۲۸	۰/۹۸	۰/۷۲	۰/۶۹	<b>CA</b>
۲/۲۶	-۰/۱۴۲	۰/۱۹	۰/۰۱۸	۰/۹۲	۰/۵۳	۰/۵۴	<b>INV</b>
۳/۶۹	۰/۷۵	۰/۱۵	-۰/۲۹	۰/۶۸	۰/۱۲۴	۰/۱۵۵	<b>ROA</b>
۹/۸	۲/۹	۰/۲۷	۰	۱	۰	۰/۰۸	<b>LOOS</b>
۸/۰۴	۲/۰۸	۰/۱۵	۰	۰/۹۴	۰/۰۶	۰/۱۱	<b>INTANG</b>
۴/۳۴	۰/۷۶	۱/۵	۱۱/۳۶	۲۰/۷	۱۴/۶	۱۴/۸	<b>SIZE</b>
۲/۵۶	-۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۰۳۷	۰/۹۸	۰/۵۴	۰/۵۳	<b>LEV</b>
۳/۳۶	۱/۵۳	۰/۳۹	۰	۱	۰	۰/۱۹	<b>BIG</b>

پارامترهای پراکندگی، به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از جمله مهمترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر نسبت حق الزحمه حسابرس (LNAFE) برابر ۲/۰۸ و برای متغیر تصدی بلند مدت مدیرعامل\* ضعف کنترل‌های داخلی (CEOL\*MW) برابر با ۰/۱۳ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای تحقیق، به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می‌باشند میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود خواهد داشت. به عنوان مثال ضریب چولگی متغیر حق الزحمه حسابرسی (CEOL\*MW) برابر با ۲/۳۸- می‌باشد، یعنی این متغیر چولگی به چپ دارد و به این اندازه از مرکز تقارن انحراف دارد. متغیر تصدی بلند مدت مدیرعامل\* ضعف کنترل‌های داخلی (CEOL\*MW) برابر با ۶/۹ بیشترین و ضعف کنترل‌های داخلی (MW) برابر با ۰/۰۵- کمترین عدم تقارن را نسبت به توزیع نرمال دارد. میزان کشیدگی منحنی فراوانی نسبت به منحنی نرمال استاندارد را برجستگی یا کشیدگی می‌نامند. اگر کشیدگی حدود صفر باشد، منحنی فراوانی از لحاظ کشیدگی وضعیت متعادل و نرمال خواهد داشت، اگر این مقدار مثبت باشد منحنی برجسته و اگر منفی باشد منحنی پهن می‌باشد. کشیدگی تمامی متغیرهای این مدل مثبت است. متغیر نقدشوندگی (Liq) برابر با ۳۴/۷ بیشترین برجستگی و متغیر تصدی جدید مدیرعامل (CEOn) برابر با ۱/۰۲ کمترین برجستگی را نسبت به منحنی نرمال دارد.

## ۲-۵. آزمون مانایی متغیرهای مدل تحقیق

### ۱-۲-۵. آزمون همبستگی مقاطع

قبل از برآورد الگوی داده‌های ترکیبی، لازم است آزمون پایایی متغیرها انجام شود. اما قبل از انجام آزمون پایایی داده‌های ترکیبی، باید آزمون وابستگی بین مقاطع به منظور انتخاب آزمون ریشه‌واحد مناسب انجام شود. آزمونهای مختلفی جهت بررسی پایایی متغیرهای داده‌های ترکیبی وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آنها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۵). به منظور بررسی وابستگی بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران (۲۰۱۵) که نسخه تکمیل شده آزمون پسران (۲۰۰۴) است، استفاده شده است. در صورت تایید وابستگی مقطعی در داده‌های ترکیبی، استفاده از روشهای مرسوم ریشه واحد داده‌های ترکیبی نظیر آزمون لوین، لین و چو<sup>۱</sup> (LIC)، ایم، پسران و شین<sup>۲</sup> (IPS)، احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمونهای ریشه واحد داده‌های ترکیبی متعددی وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران<sup>۳</sup> (CIPS) از آنجمله است. آماره آزمون پسران از توزیع نرمال استاندارد پیروی کرده و توانایی کاربرد در پانلهای متوازن و غیر متوازن و مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی را دارد. فرضیه صفر در این آزمون آنست که پسماندها همبسته نیستند و در نتیجه وابستگی مقطعی وجود ندارد. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسماندهای مدل در جدول زیر ارائه شده است.

### جدول (۲) نتایج آزمون همبستگی مقاطع مدل تحقیق

آزمون	آماره	احتمال
Pesaran's Cross-Section Test	۲/۲۷	۰/۵۲
Pesaran's Cross-Section Test	۲/۵۵	۰/۵۱

با توجه به نتایج جدول ۳ و احتمال آزمون پسران که بیشتر از ۰/۰۵ است فرضیه صفر در سطح معنی داری ۰/۹۵ رد نمی‌شود به عبارت دیگر پسماندها در میان مقاطع همبستگی ندارند و وابستگی مقطعی وجود ندارد. با توجه به عدم وابستگی مقاطع آزمون ریشه واحد با استفاده از روش لوین، لین و چو صورت می‌گیرد. در آزمون ریشه واحد فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتیکه احتمال جدول کوچکتر از ۰/۰۵ باشد به احتمال ۹۵ درصد فرضیه صفر پذیرفته نمی‌شود. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای متغیرهای مدل به شرح جدول (۳) می‌باشد:

### جدول (۳) نتایج آزمون ریشه واحد LLC (Levin, Lin & Chu)، با عرض از مبدأ و روند

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال آماره	نتیجه آزمون
LNAFE	-۱۹۶/۱	۰/۰۰۰	مانا در سطح
CEON	-۱۰/۹۷	۰/۰۰۰	مانا در سطح

<sup>۱</sup>Levin, Lin & Chu t(LLC)

<sup>۲</sup>Im, Pesaran and Shin W-stat(IPS)

<sup>۳</sup>Pesaran's Cross-Section Test

مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۱/۰۸	<b>CEOM</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱/۰۱	<b>CEOL</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۶/۶	<b>CFON</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۷/۱	<b>CFOM</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۲/۶	<b>CFOL</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۳/۰۶	<b>MW</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۲/۹	<b>LIQ</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۴/۴	<b>CA</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۳/۳	<b>INV</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۳۷/۸	<b>ROA</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۳/۷	<b>LOOS</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۱۱/۷	<b>INTANG</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۸/۴	<b>SIZE</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۱۴/۰۰۱	<b>LEV</b>
مانا در سطح	۰/۰۰۰	-۲/۱۳	<b>BIG</b>

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۳) مشخص گردید که تمامی متغیرها مانا بودند.

### ۳-۵. آزمون هم خطی متغیرهای مستقل مدل تحقیق

طبق این فرض هیچ رابطه دقیقی بین هیچ یک از متغیرهای توضیحی وجود ندارد بنابراین لازم است هیچ یک از متغیرهای توضیحی با هیچ یک از متغیرهای توضیحی دیگر و یا با هر ترکیب خطی از متغیرهای توضیحی دیگر، کاملاً همبسته نباشند. وقتی که این فرض نقض شود سخن از هم خطی مرکب به میان می آید. موارد حائز اهمیت، درجه‌های بالای هم خطی است و وقتی پیش می آید که یکی از متغیرهای توضیحی با متغیر توضیحی دیگر و یا ترکیب خطی متغیرهای توضیحی دیگر به شدت همبسته باشد. برای بررسی وجود و جهت همبستگی خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جداول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴) ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل مدل تحقیق

B I G	L E V	S I Z E	I N T A N G	L O O S	R O A	I N V	C A	L I Q	M W	CF O L * M W	CF O M * M W	CF O N * M W	CE O L * M W	CE O M * M W	CE O N * M W	C F O L	C F O M	C F O N	C E O L	C E O M	C E O N			
																						۱	CE O N	
																							۵	CE O M
																							۱	CE O L
																							۲	CF O N
																							۰	CF O M
																							۰	CE O N
																							۳	CF O L
																							۰	CE O M
																							۴	CF O N
																							۱	CE O L
																							۰	CF O M
																							۵	CF O N
																							۳	CE O M
																							۰	CE O L
																							۸	CF O M
																							۷	CE O N
																							۰	CF O L
																							۰	CE O M
																							۰	CE O L









جدول (۵) نتایج آزمون F لیمر مدل را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون F لیمر کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده‌های پانل (Panel) استفاده خواهد شد.

### جدول (۵) آزمون اف لیمر (چاو) مدل اول تحقیق

آماره	احتمال آماره	روش پذیرفته شده
۰/۰۰۰	۲/۳۱	رویکرد داده‌های ترکیبی (panel)
۰/۰۰۰	۲/۲۶	رویکرد داده‌های ترکیبی (panel)

### ۴-۵. آزمون هاسمن مدل تحقیق

در مرحله بعد به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی بصورت تصادفی عمل می‌کند. آماره این آزمون که برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی است دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل بوده است. جدول (۶) نتایج مربوط به آزمون هاسمن مدل‌های را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه P-value بدست آمده از آزمون هاسمن در مدل‌های فوق کمتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل توجه می‌شود که الگوی مناسب، الگوی مبتنی بر الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

### جدول (۶): نتایج آزمون هاسمن مدل تحقیق

مدل	آماره	مقدار	P-Value	نتیجه آزمون
۱-۴	Cross-section Random	۲۶/۸	۰/۰۰۲	اثرات ثابت ((FE)
۲-۴	Cross-section Random	۳۸/۱	۰/۰۰۳	اثرات ثابت ((FE)

### ۵-۵. نتایج برآورد مدل تحقیق

### ۵-۵-۱. آزمون فرضیه اول تحقیق

### جدول (۷) نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

### متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی (LNAFE)

نماد	ضریب	آماره t	sig
C	-۱/۷	-۱/۳۵	۰/۱۷
CEON	۰/۳۰۷	۲/۷۱	۰/۰۰۶۲
CEOM	-۰/۰۱۹	-۰/۱۷	۰/۸۵
CEOL	۰/۰۴۸	۰/۴۴	۰/۶۵
CFON	۰/۰۵۳	۰/۳۵	۰/۷۲
CFOM	۰/۰۷۷	۰/۵۸	۰/۵۶

۰/۹۲	-۰/۰۸	-۰/۰۱	CFOL
۰/۶۱	-۰/۴۹	-۰/۰۳	LIQ
۰/۸۹	۰/۱۳۶	-۰/۰۷	CA
۰/۷	-۰/۳۷	-۰/۱۴	INV
۰/۱۷	۱/۳۶	۰/۵۴	ROA
۰/۹۱	۰/۱۰	۰/۰۱۳	LOOS
۰/۲۷	-۱/۱۰	-۰/۳۳	INTANG
۰/۰۰۰	۶/۲۹	۰/۵	SIZE
۰/۰۰۰۳	۳/۶۱	۱/۵۴	LEV
۰/۴۱۷	۰/۸۱	۰/۱۵	BIG
۳/۶	آماره F	۰/۵	ضریب تعیین $R^2$
۰/۰۰۰	معنی داری آماره F	۰/۳۶	ضریب تعیین تعدیل شده $Adj-R^2$
	F	۲/۰۸	دوربین- واتسون DW

فرضیه اصلی اول: بین مراحل تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: بین تصدی جدید مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه نتایج حاصل از برآورد مدل (۱)، ضریب متغیر تصدی جدید مدیرعامل (CEOn) برابر (۰/۳۰۷) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی جدید مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی جدید مدیرعامل) کمتر از ۵ درصد است می توان گفت بین تصدی جدید مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی جدید مدیر مالی (CFOn) برابر (۰/۰۵۳) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی جدید مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی می باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی مدیر مالی) بیشتر از ۵ درصد است می توان گفت بین تصدی جدید مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: بین تصدی میان مدت مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

ضریب متغیر تصدی میان مدت مدیرعامل (CEOm) برابر (-۰/۰۱۹) نشان دهنده رابطه منفی بین تصدی میان مدت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی میان مدت مدیرعامل) بیشتر از ۵ درصد است می توان گفت بین تصدی میان مدت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی میان مدت مدیر مالی (CFOm) برابر (۰/۰۷۷) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی میان مدت مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی می باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست

آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی میان مدت مدیر مالی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت بین تصدی میان مدت مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

فرضیه فرعی ۱-۳: بین تصدی طولانی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد.

ضریب متغیر تصدی طولانی مدیرعامل (CEO) برابر (۰/۰۴۸) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی طولانی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی طولانی مدیرعامل) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت بین تصدی طولانی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی طولانی مدیر مالی (CFO) برابر (۰/۰۱-) نشان دهنده رابطه منفی بین تصدی میان مدت مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی طولانی مدیر مالی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت بین تصدی طولانی مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت (SIZE) و اهرم مالی (LEV)، رابطه مثبت و معنی داری با حق الزحمه حسابرسی دارند.

با توجه به آماره دوربین واتسون به دست آمده که برابر با ۲/۰۸ است می‌توان ادعا کرد که مقادیر خطای مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشند. ضریب تعیین، محاسبه شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به چه میزان توانایی توضیح دهندگی رابطه با متغیر وابسته را دارند؛ بنابراین با توجه به  $R^2$  بدست آمده، متغیرهای مستقل قادر هستند که ۵۰ درصد، رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین با توجه به آماره  $F(۳/۶)$  و مقدار احتمال آماره  $F$  که برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان کرد که مدل تحقیق به خوبی برازش شده و از معنی داری بالایی برخوردار است.

## ۲-۲-۵. آزمون فرضیه دوم تحقیق

### جدول (۹) نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی (LNAFE)

متغیر	ضریب	آماره t	sig
C	-۱/۷۴	-۱/۴	۰/۱۵
CEON	-۰/۱۹	۲/۴	۰/۰۹
CEOM	-۰/۲۳۷	-۱/۷	۰/۰۸
CEOL	۰/۱۵۶	۱/۶۴	۰/۲۴۴
CFON	-۰/۲۸	-۱/۳۵	۰/۱۷
CFOM	-۰/۱۰۶	۰/۵۴	۰/۵۸
CFOL	۰/۲۲۵	۱/۰۹	۰/۲۷
CEON*MW	۰/۲۵۲	۰/۹۸	۰/۳۲

۰/۰۵	۱/۹۵	۰/۵۱۳	CEOM*MW
۰/۱۹	-۱/۳۱	-۰/۳۱	CEOL*MW
۰/۰۰۰۲	۳/۷۸	۰/۶۹	CFON*MW
۰/۰۶	۱/۸۷	۰/۳۴	CFOM*MW
۰/۰۰۴	-۲/۸۲	-۰/۵	CFOL*MW
۰/۰۰۶	۲/۷۲	۰/۸	MW
۰/۴۶	-۰/۷۲	-۰/۰۵	LIQ
۰/۵۵	-۰/۵۸	-۰/۲۹	CA
۰/۸۱	۰/۲۴	۰/۰۸	INV
۰/۲۰۸	۱/۲۶	۰/۵۲	ROA
۰/۷۰۱	۰/۳۸	۰/۰۵	LOOS
۰/۰۹۷	-۱/۶۶	-۰/۴۸	INTANG
۰/۰۰۰	۷/۰۲	۰/۵۴	SIZE
۰/۰۰۱۱	۳/۲۸	۱/۴۴	LEV
۰/۱۳۴	۱/۴۹	۰/۲۶	BIG
۳/۵۷	آماره F	۰/۵۱	$R^2$ ضریب تعیین
۰/۰۰۰	معنی داری آماره F	۰/۳۶	$Adj-R^2$ ضریب تعیین تعدیل شده
		۲/۰۹	DW دوربین - واتسون

فرضیه اصلی دوم: ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین مراحل تصدی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌نماید.

فرضیه فرعی ۱-۲: ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی جدید مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌نماید.

با توجه نتایج حاصل از برآورد مدل (۲)، ضریب متغیر تصدی جدید مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی (CEOn\*MW) برابر (۰/۲۵۳) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی جدید مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی جدید مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی جدید مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمی‌نماید. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی جدید مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی (CFOn\*MW) برابر (۰/۶۹) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی جدید مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی) کمتر از ۵

درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی جدید مدیران مالی و حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد.

فرضیه فرعی ۲-۲: ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی میان مدت مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌نماید.

ضریب متغیر تصدی میان مدت مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی (CEOm\*MW) برابر (۰/۵۱۳) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی میان مدت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی میان مدت مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی میان مدت مدیر مالی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمی‌نماید. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی میان مدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی (CFOn\*MW) برابر (۰/۳۴) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی میان مدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی میان مدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی میان مدت مدیران مالی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمی‌نماید.

فرضیه فرعی ۲-۳: ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی طولانی مدیران اجرایی و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل می‌نماید.

ضریب متغیر تصدی بلندمدت مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی (CEOI\*MW) برابر (۰/۳۱-) نشان دهنده رابطه منفی بین تصدی بلندمدت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی بلندمدت مدیرعامل\*ضعف کنترل‌های داخلی) بیشتر از ۵ درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی بلندمدت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی را تعدیل نمی‌نماید. همچنین ضریب متغیر مستقل تصدی بلندمدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی (CFOI\*MW) برابر (۰/۵-) نشان دهنده رابطه مثبت بین تصدی بلندمدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد و با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای ضریب متغیر مستقل (تصدی بلندمدت مدیر مالی\*ضعف کنترل‌های داخلی) کمتر از ۵ درصد است می‌توان گفت ضعف کنترل‌های داخلی رابطه بین تصدی بلندمدت مدیران مالی و حق الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت (SIZE) و اهرم مالی (LEV)، رابطه مثبت و معنی داری با حق الزحمه حسابرسی دارند. با توجه به آماره دوربین واتسون به دست آمده که برابر با ۲/۰۹ است می‌توان ادعا کرد که مقادیر خطای مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشند. ضریب تعیین، محاسبه شده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به چه میزان توانایی توضیح دهندگی رابطه با متغیر وابسته را دارند؛ بنابراین با توجه به  $R^2$  بدست آمده، متغیرهای مستقل قادر هستند که ۵۱ درصد، رابطه با متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین با توجه به آماره F (۳/۵۷) و مقدار احتمال آماره F که برابر (۰/۰۰۰)

می‌باشد، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان کرد که مدل تحقیق به خوبی برازش شده و از معنی داری بالایی برخوردار است.

### ۵-۶. آزمون نرمال بودن جملات خطا مدل

نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌های رگرسیونی است که نشان دهنده اعتبار آزمون‌های رگرسیونی است. این فرض بیان می‌کند که توزیع آماری<sup>۱</sup> جمله خطا باید نرمال<sup>۲</sup> باشد. عدم برقراری این فرض می‌تواند ناشی از وجود داده‌های پرت<sup>۳</sup> باشد. در این تحقیق از آزمون جارک-برای، جهت بررسی نرمال بودن توزیع مقادیر خطا استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر مبنی بر نرمال بودن است که در صورت به دست آمدن احتمال تایید بیشتر از ۵ درصد، فرض صفر با احتمال ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. نتایج آزمون نرمال بودن جملات خطا در جدول ۱۰ ارائه شده است.

### جدول (۱۰) نتایج آزمون نرمالیت باقیمانده مدل

شرح	شرح	آماره جارکیو-برا	سطح معنی داری
مدل (۱)	مقادیر باقیمانده (Residual)	۲۵/۳۴	۰/۰۸
مدل (۲)	مقادیر باقیمانده (Residual)	۴۰/۱۳	۰/۰۷

### ۵-۷. آزمون همسانی واریانس جملات خطا مدل

یکی از مفروضات معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می‌باشد که به عنوان فرض همسانی واریانس شناخته می‌شود. در صورتیکه خطاها، واریانس ثابتی داشته باشند، گفته می‌شود که همسانی واریانس وجود دارد. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی<sup>۴</sup> استفاده شده است. در واقع با ساختن واریانس جزء اخلاص و از طریق روش مذکور به صورتی که با تقسیم تمامی متغیرها بر واریانس جزء اخلاص به برآورد دوباره مدل از طریق وزن دادن به متغیرها پرداخته‌ایم. روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی به نوعی تعدیل یافته GLS است و داده‌ها را برش نمی‌زند بلکه آن را تعدیل می‌کند. برای تشخیص ناهمسانی واریانس در مدل از روش‌های مختلفی مانند روش ترسیمی، روش وایت، روش گلد فلد کوانت، روش پارک، روش بارتلت، روش پیک، گلچسر و اسپیرمن می‌توان استفاده کرد (سوری، ۱۳۹۷).

در این تحقیق، پس از برآورد مدل‌های تحقیق و انتخاب الگوی برتر جهت تخمین مدل، از آزمون بارتلت جهت شناسایی ناهمسانی واریانس استفاده شده است. جدول (۱۰) نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی مدل را نشان می‌دهد.

1 statistical distribution

2 Normal

3 Outliers

4 EGLS



## جدول (۱۰) نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی در مدل‌های تحقیق

شرح	آزمون همسانی واریانس		ناهمسانی
	Value	P-value	
مدل (۱)	۵/۳۸	۰/۰۸۹	ندارد
مدل (۲)	۴/۲۸	۰/۰۸	ندارد

با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده در جدول بالا که بیشتر از ۰/۰۵ است میتوان نتیجه گرفت که جملات خطای مدل دارای واریانس همسان می‌باشند.

### ۶. نتیجه‌گیری

مطالعات پیشین رابطه بین ویژگی‌های مختلف مدیریتی (به عنوان مثال، سن مدیرعامل، دوره تصدی مدیرعامل، پاداش مدیرعامل) و کیفیت سود را اثبات نمودند. با این حال، شواهد تجربی کمی در مورد اینکه آیا ویژگی‌های مدیریتی بر تصمیمات قیمت‌گذاری حسابرس تاثیر دارد یا خیر وجود دارد. برای پر کردن این شکاف، در این تحقیق تاثیر مراحل مختلف دوره تصدی مدیرعامل بر حق الزحمه حسابرسی بررسی شد. همچنین نقش ضعف کنترل‌های داخلی به عنوان یک عامل تعدیگر بر رابطه بین مراحل مختلف تصدی مدیران اجرایی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در مراحل اولیه تصدی مدیرعامل، حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد و در دوره‌های تصدی میان مدت و طولانی مدت رابطه‌ای بین مدت تصدی و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد. از آنجا که هزینه حسابرسی وابسته به برآورد حسابرسان از ریسک حسابرسی است این یافته‌ها نشان می‌دهد که در مراحل اولیه تصدی مدیرعامل حسابرسان ریسک حسابرسی بیشتری را برآورد نموده و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی نیز بالاتر است. یافته‌های این فرضیه مطابق با فرضیه نگرانی شغلی است و با یافته‌های تحقیق کالیکار وزی (۲۰۲۱) و بیلز و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد.

همچنین یافته‌های تحقیق در مورد نقش ضعف کنترل‌های داخلی، نشان می‌دهد که ضعف کنترل‌های داخلی تاثیری بر رابطه بین مراحل مختلف تصدی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی ندارد؛ اما رابطه بین تصدی جدید مدیرمالی و حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین در سالهای ابتدایی تصدی مدیرمالی وجود ضعف در کنترل‌های داخلی احتمال دستکاری سود را توسط مدیران افزایش می‌دهد که باعث افزایش ارزیابی خطر حسابرسی و به تبع آن افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود؛ اما در دوره‌های طولانی تر تصدی مدیران مالی، حسابرسان اطمینان بیشتری از کیفیت و عملکرد سیستم مالی و مدیریت مالی شرکت دارند و با وجود ضعف در کنترل‌های داخلی، ریسک حسابرسی را پایین تر در نظر می‌گیرند و حق الزحمه حسابرسی کاهش خواهد یافت. یافته‌های این تحقیق با تحقیق کالیکار وزی (۲۰۲۱) همخوانی دارد. با توجه به بالاتر بودن حق الزحمه حسابرسی در سالهای اولیه خدمات مدیرعامل، می‌توان استدلال نمود که مدیران عامل در ابتدای کار خود احتمالاً انگیزه‌های بیشتری برای گزارش نادرست اطلاعات مالی و افزایش درآمد دارند و حسابرسان این عامل خطر را در تصمیم‌گیری‌های قیمت‌گذاری حسابرسی خود لحاظ می‌کنند. همچنین حق الزحمه

حسابرسی در آخرین سال خدمت مدیرعامل و زمانی که مدیرعامل کنار گذاشته شده است با وجود ضعف در کنترل‌های داخلی پایتتر است و این نشان می‌دهد که حسابرسان مشکل افق دید مدیران عامل خارج شده را به عنوان کاهش ریسک حسابرسی در تصمیمات قیمت گذاری حسابرسی خود در نظر می‌گیرند.

## ۷. پیشنهادات تحقیق

### ۷-۱. پیشنهادهای کاربردی

۱. با توجه به یافته‌های تحقیق روشن شد که با جایگزینی مدیران اجرایی به دلیل تغییر در سیاستها و روشهای اداره شرکت، حسابرسان با ریسک حسابرسی بیشتری مواجه می‌شوند و به دنبال آن هزینه حسابرسی برای شرکت افزایش خواهد یافت؛ بنابراین به هیئت مدیره شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که در مورد انتخاب و جایگزینی مدیران اجرایی شرکت به مزایای تصدی طولانی مدت مدیران شرکت توجه داشته باشند.

۲. با توجه به یافته‌های تحقیق در شرکتهای با مدیران مالی با تصدی طولانی مدت حتی اگر کنترل‌های داخلی ضعیف داشته باشند ریسک حسابرسی کاهش می‌یابد و حسابرسان حق الزحمه کمتری دریافت می‌نمایند؛ بنابراین به حسابرسان شرکتهای بورسی پیشنهاد می‌شود که در حسابرسی شرکتهای و بررسی کنترل‌های داخلی به مدت تصدی مدیران مالی شرکت دقت نمایند.

۳. بطور کلی به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود به مزایای تصدی طولانی و مستمر مدیران اجرایی در کاهش هزینه‌های حسابرسی توجه داشته باشند.

### ۷-۲. پیشنهاد برای تحقیقات آتی

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی موضوع این تحقیق در شرکتهای دولتی و غیردولتی به تفکیک صورت گرفته و نتایج مقایسه شود.

## ۸. منابع و مآخذ

۱. امین عشایری، آسو. (۱۴۰۰). بررسی نقش متغیرهای کیفیت حسابرسی و دوره‌ی تصدی حسابرس در تأثیر گذاری مدیریت سود بر عملکرد شرکت در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. ۱۳۶-۱۱۹، (۷۲)، ۵.
۲. اورادی، جواد، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با به موقع بودن گزارش حسابرسی، هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران، قم، <https://civilica.com/doc/959569>
۳. صالحی، مهدی، لاری دشت بیاض، محمود، وظیفه دان، نجمه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین تغییر مدیران و حق الزحمه حسابرسی. دانش حسابرسی. ۱۳۹۸؛ ۱۹ (۷۴): ۵۳-۷۵.
۴. قربانی اسفهلان، وحید. (۱۴۰۰). تاثیر دوره تصدی مدیرعامل و حسابرس شرکت بر کیفیت حسابرسی. چشم انداز حسابداری و مدیریت. ۳۳-۱۶، (۴۳)، ۴.

5. Abbo, M. (2018). The impact of a new CEO. The influence of a new CEO on the strategy and control of an organization.
6. Abbott LJ, Parker S, Peters G, Raghunandan K (2003) The association between audit committee characteristics and audit fees. *Audit J Pract Theory* 22(2):17–32
7. Baker TA, Lopez TJ, Reitenga AL, Ruch GW (2019) The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management. *Rev Quant Finance Account* 52:325–345
8. Baker, T.A., Lopez, T.J., Reitenga, A.L. and Ruch, G.W. (2019), “The influence of CEO and CFO power on accruals and real earnings management”, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 52 No. 1, pp. 325-345.
9. Barua A, Davidson LF, Rama DV, Thiruvadi S (2010) CFO gender and accruals quality. *Account Horiz* 24 (1):25–39.
10. Billings BA, Gao X, Jia Y (2014) CEO and CFO equity incentives and the pricing of audit services. *Audit J Pract Theory* 33(2):1–25
11. Bills, K.L., Lisic, L.L. and Seidel, T.A. (2017), “Do CEO succession and succession planning affect stakeholders’ perceptions of financial reporting risk? Evidence from audit fees”, *The Accounting Review*, Vol. 92 No. 4, pp. 27-52.
12. Chen, C. Li, T. Shao, R. and Zheng, S.X. (2019). Dynamics of deterioration in internal control reported under SOX 404. *International Review of Economics & Finance*, 61, 228-240. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2019.02.009>.
13. Coulton, J., G. Livne, A. Pettinicchio, and S. Taylor. (2016). Abnormal Audit Fees and Accounting Quality. Working paper, UNSW Australia, University of Exeter Business School, Bocconi University, and University of Technology, Sydney.
14. DeBoskey, D.G., Luo, Y. and Zhou, L. (2019), “CEO power, board oversight, and earnings announcement tone”, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 52 No. 2, pp. 657-680.
15. Dang, C. Li, Z.F. and Yang, C. (2018). Measuring firm size in empirical corporate finance. *Journal of Banking & Finance*, 86, 159-176. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2017.09.006>
16. Kim Y, Li H, Li S (2015) CEO equity incentives and audit fees. *Contemp Account Res* 32(2):608–638.
17. Lavoie, M. (2015). *Post-Keynesian Economics: New Foundations*. Cheltenham, U.K.: Edward Elgar. Ministry of Finance (MOF) and State Administration of Taxation (SAT). 2010. Notice of the Ministry of Finance and the State.
18. Lobo, G.J. Manchiraju, H and Sridharan, S. S. (2018). Accounting and economic consequences of CEO payouts. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(1), 1-
19. Mitra, S., Jaggi, B. and Al-Hayale, T. (2019), “Managerial overconfidence, ability, firm-governance and audit fees”, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 52 No. 3, pp. 841-870.
20. Uemura, H. (2018). Effects of CEO Turnover and Board Composition Reform on Improvements in the Internal Control Quality. *International Journal of Financial Research*, 9(3), Doi: 10.5430/ijfr.v9n3p36
21. Yan, Y.C. and Wheatley, C. (2010), “New executives and audit fees”, Working Paper.
22. Yeh, Y.M.C. Wang, H.C. and You, P.R. (2019). Internal Control Weakness and CEO Media Exposure. *Journal of Accounting and Finance*, 19(5). <https://doi.org/10.33423/jaf.v19i5.2259>

## Different phases of executive tenure and audit fees: with emphasis on the moderating role of the internal controls weakness

Elham Mansourinia<sup>\*1</sup>  
Faezeh Mokhtatri<sup>2</sup>

Date of Receipt: 2022/06/11 Date of Issue: 2022/07/12

### Abstract

The tenure of executives is one of the factors affecting the structure, performance and value of the company. With the replacement of executives, the policies and executive methods of the company also change. The tenure of executives affects the audit risk and the amount of audit work and remuneration received by the auditor. The purpose of this study is to investigate the relationship between different stages of tenure of executive managers and auditing fees with emphasis on the moderating role of weak internal controls. This research is applied in terms of purpose and in terms of nature and causal method. The statistical population of the study was all companies listed on the stock exchange in the period of 5 years from 2016 to 2020, which were studied through systematic elimination sampling in a total of 122 companies. The generalized least squares regression method was used to test the research hypotheses. The research findings show that there is a positive and significant relationship between the new CEO's tenure and auditing fees. Weak internal controls also reduce the relationship between the CEO's tenure and the audit fee. Therefore, in companies with the new tenure of the CEO, the audit risk increases and auditors receive more remuneration. Long-term tenure of financial managers also covers the internal weaknesses of the company.

### Keyword

Different phases of executive tenure, audit fees, internal controls weakness

1. Department of Management, Faculty of Management and Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshar, Iran (\* Corresponding Author: [Elham.mansourinia@gmail.com](mailto:Elham.mansourinia@gmail.com))
2. Faculty of Accounting, Farvardin Institute of Higher Education, Ghaemshahr, Iran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی